



گفت و گوی «عماد» با آیت الله محمد جواد فاضل لنگرانی؛ رئیس موسسه فقهی ائمه اطهار (ع)

فقه پدافند غیر عامل؛ الزامات و بایسته‌ها

پدافند غیر عامل یک امر «ارتكازی» است

شده است. اگر مسلمانان همین طور بنشینند و بگویند ما با زبان موعظه و نصیحت با دنیا صحبت می‌کنیم، فایده‌ای ندارد. باید بنیه نظامی قوی و اصل «ارهاب» دشمن احیا شود. «تُرهبونَ به عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» یعنی مشرکین و کفار باید مورد ارهاب مسلمین واقع شوند و این خود مسأله‌ای مهم است که ما آنرا از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم.

در آیه ۱۲ سوره حجرات می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظُّلْمِ إِنَّ بَعْضَ الظُّلْمِ بُرْهَانٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَغْضُكُمْ بَعْضًا...» برهیز از گمان بد، یک اصل مهم در امنیت روانی افراد در جامعه است؛ امنیت روانی از عوامل استقرار و ثبات در جامعه است. به نظر من برای تحکیم روابط در جامعه شاید هیچ اصلی مهم‌تر از این نیست که افراد به هم بدگمان نباشند و گمان بد نبرند. اگر هر کسی بخواهد نسبت به شخص دیگری سوء ظن داشته باشد و گمان بد ببرد، اگر مسئول بخواهد نسبت به زیر دست خود گمان بد ببرد یا زیر دست نسبت به مسئول گمان بد ببرد، این هادر اسلام نهی شده است. ولو اینکه ممکن است مواردی واقعیت داشته باشد ولی اسلام می‌گوید اصل را بر حسن ظن قرار بدهید که او در حال خدمت است و منفعت جامعه را می‌خواهد؛ این نکته مهمی است.

در فقه و اصول که بحث «اصالت الصلح» را مطرح می‌کنند، می‌گویند در جایکه فساد غلبه ندارد می‌توانیم اصالت الصلح را جاری کنیم. اما اگر در جایگاه‌ها و مناسبات و نهادهایی که ببینیم دشمن رخنه کرده است یا بنا بر رخنه دارد یا مورد طمع دشمن است، آنجا نباید اصل را بر صحت گذاشت. آنجا باید اصل را بر بدگمانی گذاشت و مواردی این چنینی وجود دارد که در فقه مورد توجه قرار گرفته است؛ اما با قطع نظر از این موارد خاص، باید جامعه در امنیت روانی و ثبات و استحکام باشد. این موارد در اسلام و در دین ما پیش بینی شده است. به خصوص حالات افسردگی که از طریق بدگمانی در افراد ایجاد می‌شود.

در بحث عدم سوء ظن در حدیثی از حضرت رسول (ص) آمده است: «فَأَنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْخَبَرِ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَسُوا وَلَا تَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» اینکه نباید تجسس کرد و نباید برده برداری و افشای عیوب کرد. وقتی کسی در خانه خود دور محیط خصوصی خود مرتکب خطایی شده است، وقتی کسی اطلاع پیدا کرد، نباید برده برداری کند و افشا و اعلام کند. البته این مسأله در مورد امور فردی و اسرار اشخاص مطرح است. همچنین بر مبنای این حدیث اصل اخوت بین مسلمین - که اصل پدافندی بسیار مهمی است - اصلی بسیار حیاتی و مهم است. آنچه که در سیل‌ها و زلزله‌ها و بلاها مردم را نسبت به هم متحد می‌کند اصل اخوت است که مسأله‌ای بسیار مهم است. هر چه بین مردم جدایی بیندازیم و بینان خانواده‌ها را از بین ببریم، ارتباط بین افراد بشرک کم از بین می‌رود و منسوخ می‌شود این دقیقاً خلاف آن چیزی است که در اسلام وجود دارد. در اسلام دائم تاکید شده است: «المؤمن مرءة المؤمن» حتی در جائیکه تشابه در دین هم وجود ندارد، باز هم اسلام می‌گوید

در بعد فردی و چه بعد اجتماعی و چه در باقی ابعاد مسأله، مایه توانیم ادعا کنیم که اساس اینکه خدای تبارک و تعالی انبیا و کتب آسمانی و شریعت‌ها را فرستاد و دین اسلام که خاتم ادیان است؛ برای این است که بشر خلقت باطل پیدا نکند و به نتیجه باطلی نرسد و با این دستورات سیر حرکتی او تنظیم شود. این دستورات چه عبادی و چه در معاملات و چه در سیاست و اخلاقیات تماماً بر این بنیان نهاده شده است که قبل از وقوع یک حادثه و مفسده، دفع مفسده شود. هم در فقه و اصول و شاید در علوم دیگر نیز مطرح می‌شود که دفع مفسده اولی از جلب منفعت است. این قانون در بسیاری از مراحل مورد استناد فقها است که باید دفع مفسده را پیش بینی و پیشگیری کرد و این اساس موضوع پدافند غیر عامل است. اساس تشریح هم بر همین است. مجموعه دین هم اینچنین است؛ از اعتقادات و فروع و احکام و اخلاق گرفته تا همه امور؛ به سرآیات قرآن هم که می‌آییم برای این مطلب نمونه‌ها و مثال‌های فراوانی داریم.

به عنوان مثال از آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَبُونَ دُونَهُمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال)» اصل و لُزوم تقویت بنیه نظامی برداشت می‌شود. در چهل سال گذشته به این اصل توجه شد و امروز در شرایط فعلی منطقه برای نظام اقتدار ایجاد

ائمه اطهار (ع) وجود داشته است؟
مسأله پدافند غیر عامل، ارتكازی و عقلانی است و امری نیست که به صورت تازه و روی توافقاتی بین دولت‌ها و گروه‌ها و اشخاص به وجود آمده باشد؛ امری ارتكازی و عقلانی است به این معنا که اگر از خود فرد شروع کنیم، ارتكاز هر انسان عقلی به او می‌گردد که تو باید از خود در مقابل حوادثی که برای جسم و روح به وجود می‌آید در ابعاد مختلف مراقبت کنی. هر انسانی باید برای آینده خود تصمیم بگیرد و فکر کند و اگر آن درآمدی دارد مقداری را برای آینده‌اش قرار بدهد تا برای ایام که هولت خود فکری کرده باشد، همه این هادر مورد یک شخص واضح است؛ وقتی به ارتكاز نقش خود یا به وجدان خود مراجعه کند، چنین مسأله‌ای وجود دارد.

وقتی به جامعه وارد می‌شویم، چون این مسئله، امری عقلانی است، قبل از اسلام و در زمان انبیا گذشته نیز وجود داشته است. این مسأله‌ای نیست که بگویم خود اسلام و دین آن را تاسیس می‌کند؛ اگر چه اسلام تماماً بر این مبنا تاکید دارد ولی امر تاسیسی نیست. مثلاً قبل از ظهور دین اسلام، قضیه حضرت یوسف (ع) و تعبیر آن خواب که حضرت آن را بیان کردند، نمونه خوبی از این موضوع است.

در خود اسلام، مجموعه دین، عنوان پدافند غیر عامل را دارد. دین اساساً برای این است که انسان قبل از اینکه بلایی بر او وارد شود و شری به سراغ او بیاید، راهکارهایی را بیاندیشد؛ چه

آیت الله محمد جواد فاضل لنگرانی از آن دست فقهایی است که در کنار تدریس در سطوح عالی حوزه علمیه قم و اشتغال به تحقیق و پژوهش‌های علمی، در موضوعات مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز صاحب نظر است. او از سال‌های ابتدایی تاسیس سازمان پدافند غیر عامل - به عنوان مهمترین نهاد حاکمیتی در این موضوع تخصصی - همراه این مجموعه بوده و به عنوان یک فقیه و مجتهد در فقه اسلامی دیدگاه‌های تخصصی خود را در این حوزه حیاتی و سرنوشت‌ساز با مدیریت عالی این سازمان در میان گذاشته است.

به بهانه ایام نکوداشت پدافند غیر عامل پای صحبت‌های این استاد و مدرس با سابقه حوزه علمیه قم نشسته‌ایم و نقش و اهمیت پدافند غیر عامل در تاریخ اسلام و اندیشه دینی مسلمانان را مرور کرده‌ایم. ما حاصل این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

همانطور که مستحضرید در یک نگاه کلی اقداماتی که در حوزه پدافند غیر عامل صورت می‌گیرد به نوعی شامل فعالیت‌های بازدارنده در مقابل تهدیدات و البته پیش‌بینی و اقدامات پیشگیرانه در راستای عدم تحقق این تهدیدات است. این امر در طول تاریخ اسلام و البته تاریخ جهان دارای سابقه است. حال از دیدگاه شما به عنوان یک فقیه اسلامی، چه پیشینه‌ای از این اقدامات در عالم اسلامی، به خصوص در سلوک پیامبر اکرم (ص) و بعدها

نسبت به غیرمسلمان محبت، رسیدگی و توجه داشته باشید و این خود اصل پدافندی بسیار مهمی است. بنابراین از خود دین و آیات قرآن و احادیث و سپس از تاریخ زندگی پیامبر اکرم (ص) به این موضوع می‌رسیم.

در بررسی تاریخ جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) متوجه می‌شویم جنگی نبوده است که پیامبر اعظم (ص) در آن از پدافند غیرعامل استفاده نکرده باشد. حتی پیامبر اکرم (ص) اگر فردی به فرماندهی منصوب می‌کردند، افرادی را به عنوان مراقب بر فرمانده قرار می‌دادند و افرادی را خارج از مرز حمله ظاهر برای بررسی اوضاع مأموری کردند. این بسیار جالب است؛ اگر همین بررسی پدافند غیرعامل را در جنگ‌های رسول خدا (ص) در نظر بگیریم خود کتابی مفصل خواهد شد.

در جایی بیان نموده‌اید که سرتاسر فقه ما برای پدافند غیرعامل مطلب دارد که باید کار میدانی خوبی در این زمینه انجام و مسائل از فقه استخراج شود؛ چه اقداماتی در این زمینه از سوی فقها و متخصصین در فقه اسلامی صورت گرفته است؟

وقتی می‌گوییم پدافند غیرعامل اولاً سیره عقلا را داریم که یکی از ادله مادر فقه است. یعنی شما برای مشروعیت هر کاری که به فقهی مراجعه می‌کنید و می‌رسید چه دلیلی برای این مطلب دارید؛ اومی توانید آیات قرآن و روایات را بیابید؛ اما چون این مسئله تأسیسی نیست، قبل از هر چیز، سیره و ارتکاز عقلا و فطرت بشر وجود دارد. این امر جنبه فطری دارد و دین ما نیز بر اساس فطرت بشر است و چیزی را که برخلاف فطرت بشر باشد، مطرح نمی‌کند. این‌ها برای ما دلیل فقهی می‌شود. مضاف بر این، آیات و روایاتی که به آنها اشاره شد نیز به این مسئله وجه فقهی می‌دهد. لذا پدافند غیرعامل امری است که هر جامعه و حکومتی باید به آن توجه داشته باشد. البته مراتب آن به لحاظ فقهی مختلف است؛ بنابراین به لحاظ فقهی، پدافند غیرعامل وجوباً و استحباباً مشروعیت دارد.

جنبه‌عالی تأکید داشته‌اید که اساس دین بر مبنای پدافند غیرعامل نهاده شده است، به نظر می‌رسد این بیان به تبیین بیشتری نیاز داشته باشد تا فهم آن بهتر انجام شود. چه ارتباطی میان اصل دین و پدافند غیرعامل وجود دارد؟ جوهر دین، پدافند غیرعامل است. از ابتدا که خداوند شریعت را فرستاده است؛ سئوالی وجود دارد و آن این است که در تمام زمان‌ها بشر عقل داشته است - البته اختلاف مراتب وجود دارد - حال چه لزومی داشت که با وجود عقل، خدای تبارک و تعالی باز هم برای بشر پیامبر بفرستد؟ این‌ها در حقیقت برای آن است که پدافند غیرعامل را تشکیل دهد تا راه‌های به دست آوردن مصالح و راه‌های جلوگیری از مفاسد بشر نشان دهد، تا راه مفاسد مسدود شود. این در خود دین خلاصه می‌شود؛ دین یعنی همین! یعنی خدای تبارک و تعالی در همه امور چه فردی و اجتماعی و چه سیاسی و اقتصادی و نظامی، راه‌های اساسی مصالح و راه‌های مفاسد را بیان کرده است. «أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاؤًا وَإِمَّا كَوْفًا (انسان - ۳)». بنابراین دین آمده تا در کنار عقل بشری، تمام مصالح و مفاسد تبیین شود تا انسان هم که مختار

است تاره درست یا نادرست را بی‌بگیرد.

بناهمین توضیحاتی که مطرح فرمودید امروز همانند آنچه که در فلسفه، با عنوان فلسفه‌های مضاف مطرح می‌شود، آیامی توان همانند ابواب جدید فقهی چون فقه نظام‌ساز، فقه محیط زیست و... بایی تحت عنوان فقه پدافند غیرعامل تعریف و ارائه کرد؟

در هر باب فقهی، وقتی جوهر آن را که بشکافیم، پدافند غیرعامل در آن وجود دارد. اما از جهت دیگر، اگر بخواهیم در حکومت اسلامی نهادی با عنوان پدافند غیرعامل داشته باشیم - ما از حدود سال ۱۳۸۲ با مجموعه سازمان پدافند غیرعامل و جناب آقای سردار جلالی ارتباط داریم - تا در مجموعه فقه الحکومه بگنجد و احکام خاصی هم داشته باشد و ما احکام فقهی آن را مبدون و تنظیم کنیم؛ بله! در این صورت فقه پدافند غیرعامل به عنوان یکی از فقه‌های مضاف حتماً مطرح خواهد بود.

اقدامات پیشگیرانه در حوزه پدافند غیرعامل می‌تواند با برخی از حوزه‌های خصوصی و البته با تمام منافع عمومی (منافع ملی) ارتباط وثیق دارد؛ از یک سو حفظ کشور از گزند آسیب‌های مختلف حق قانونی نهاد‌های حافظ امنیت کشور است؛ از سوی دیگر منافع ملی قطعاً منافع غیر عمومی اولویت‌وار جحیت دارد؛ حال چگونه می‌توان مبانی فقهی - توجیهی برای کنترل حوزه خصوصی در راستای منافع ملی ارائه داد که هم مبنای دقیق فقهی و شرعی

داشته باشد و هم برای مخاطب غیر متخصص باورپذیری عقلانی به همراه آورد؟

این مسأله از موارد مهمی است که اگر فقه پدافند غیرعامل تاسیس شود، باید توجهی جدی به این موضوع داشته باشیم. قانون و اصل اولیه در اسلام عدم مداخله در حریم خصوصی افراد است و روی این مسأله تأکید زیادی شده است. از این مسأله در قرآن و روایات نه تنها به عنوان یک حکم فقهی بلکه به عنوان یک اصل از اصول جامعه مسلمین یاد شده است. آیه ۱۵ سوره مبارکه «نور» و روایاتی که در ذیل این آیه شریفه وارد شده، نشان می‌دهد وقتی انسان، گناهی را از شخصی اطلاع دارد اگر بخواهد این گناه را در جامعه پخش کند مورد برخورد شدید «دین» قرار می‌گیرد و «دین» به هیچ وجه به این مسأله اجازه نمی‌دهد.

امام کاظم (ع) به یکی از اصحاب خود {محمد بن فضیل} فرمود: محمد! گوش و چشم خود را در مورد پیرادران مسلمانان تکذیب کن و اگر ۵۰ نفر از مردم عادل آمدند و در مورد مسلمانی گفتند که او در خانه اش گناهی را مرتکب شده است، ولی خود آن فرد اظهار کرد که من مرتکب {آن گناه} نشده‌ام؛ قول این یک نفر را انتخاب کن.... اگر بنا بر این است که گناه و ظلم و جرم شخصی باشد، این امر بین خود فرد و خدای او است که یا توبه می‌کند یا خدادار قیامت می‌داند که با او چه کند... البته این در حوزه مسائل شخصی است.



66

مسأله پدافند غیرعامل، ارتکازی و عقلانی است و امری نیست که به صورت تازه و روی توافقاتی بین دولت‌ها و گروه‌ها و اشخاص به وجود آمده باشد؛ امری ارتکازی و عقلانی است به این معنا که اگر از خود فرد شروع کنیم، ارتکاز هر انسان عاقلی به او می‌گردد که تو باید از خود در مقابل حوادثی که برای جسم و روح تو به وجود می‌آید در ابعاد مختلف مراقبت کنی

باید بنیبه نظامی قوی و اصل «ارهاب» دشمن احیا شود. «ثُرَيْهُونَ يَهْدُوْنَ اِلَى اللّٰهِ وَعَدُوْكُمْ...». یعنی مشرکین و کفار باید مورد ارهاب مسلمین واقع شوند و این خود مسأله‌ای مهم است که ما آنرا از این آیه شریفه استفاده می‌کنیم

در بررسی تاریخ جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) متوجه می‌شویم، جنگی نبوده است که پیامبر اعظم (ص) در آن از پدافند غیرعامل استفاده نکرده باشد

در کنار این آیات و این اصول؛ می‌بینیم وقتی پیامبر اکرم (ص) حکومت تشکیل دادند، برای آنکه یهود عنود در آن حکومت نفوذ نکنند و در درون جامعه مسلمین فتنه نکنند، راهکارهایی را برای جامعه تدوین کردند. یا وقتی امام علی (ع) مالک اشتر را منصوب کردند، درباره کارگزاری که او انتخاب کرده بود، می‌فرمایند که عبونی را برای آنها قرار بده... اینجا مرز میان فقه فردی و فقه اجتماعی کاملاً روشن می‌شود؛ یعنی تجسس در امور فردی اشخاص حرام است؛ یعنی اموری که نمی‌خواهد ضربه‌ای به دیگران و اجتماع و نظام بزند. در امور فردی کسی حق دخالت در حریم خصوصی افراد ندارد و حرام موند و مشد دست. اما وقتی در حکومتی احتمال داده می‌شود مأمور مسئولی مورد طمع دشمنان قرار بگیرد، باید آن مسئول را مراقبت کرد و دید که با چه کسی ارتباط پیدا می‌کند و سفرهای خارجی خود با چه کسی در ارتباط است تا مبادا اسرار نظام را به دیگران منتقل کند... این در روش پیامبر خدا (ص) و امیر المومنین (ع) هم بوده و به دستور شرعی خاصی هم نیاز ندارد. این امری است که «عقل» اینجا برای ثبات و استقرار این حکومت تعیین کرده است و منفعت این کار برای مردم و جامعه اسلامی است.

مثلاً اگر مسئولی قراردادی برای کشور منعقد کند که مضر به حال مملکت باشد و با او برخورد می‌شود، در حقیقت (با این برخورد) حاکم مسلمین و حاکم جامعه از منافع تک‌تک افراد جامعه دفاع می‌کند؛ اینجا نمی‌توانیم مسأله

تعارض و تزامم را مطرح کنیم. اما اگر بین این مسأله و منافع فردی و اجتماعی تعارض و تزامم به وجود آمد تکلیف چیست؟ من می‌خواهم عرض کنم که این مسأله فوق مسائل فردی و بحث تزامم و موضوعی کاملاً جدا است. مسأله تعارض و تزامم در فقه جایی است که موضوع واحد باشد، ولی دو موضوع جدا اند، یعنی یکجا حرمت حریم شخصی مطرح است که ورود به حریم شخصی افراد حرام است؛ پیامبر اکرم (ص) برخوردی شدید با کسانی داشتند که می‌خواستند از داخل خانه افراد اطلاع پیدا کنند و تعابیر تند در مورد آنها به کار می‌بردند... اما آنچه که موضوع پدافند غیرعامل است، آن است که مراقبت شود دشمن مثلاً بر اساس یک قرارداد، بلایی برس جامعه نیابد و در بنیبه نظامی نفوذ نکند... لذا موضوع فرق دارد و تعارض و تزامم در این مسأله وارد نیست و دو موضوع جداگانه اند. یعنی هر بفرشی که این موضوع را بر او بیان کنیم، متوجه خواهد شد که یک موضوع حکومت و اجتماع است و مصالحی که به مردم تعلق دارد و موضوع دیگر حریم خصوصی افراد است.

در بعد کلان قضیه، این مسأله برای برخورد با کسانی است که می‌خواهند حکومت را متزلزل کنند و مصلح عامه و جامعه باشند. به نظر بنده این‌ها دو موضوع جداگانه‌اند و نحوه ورود به هر کدام از آن‌ها، دلایل فقهی، عقلانی و توجیهی خاص خود را دارند.

خیلی ممنونم از اینکه وقت خود را در اختیار ویژه‌نامه عماد قرار دادید
من هم برای شما آرزوی توفیق دارم

راهنمای پدافند غیرعامل

عقل